

روابط فرهنگی ایران و ارمنستان؛ ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها

محسن نظام آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۰ تاریخ تایید: ۹۵/۴/۱۸

چکیده

از اسناد تاریخی باستانی چنین بر می آید که روابط میان ایرانیان و ارمنه دارای تاریخی چند هزار ساله است. همسایگی این دو قوم کهن پیوندی عمیق میان آنها ایجاد کرده که ریشه‌ای بس محکم در مراودات فرهنگی آنها دارد. روابط ایران و ارمنستان که از پشته‌های چند هزار ساله برخوردار است، بر پایه ارتباطات فرهنگی، سیاسی و تاریخی دیرینه دو کشور همسایه و همچنین اشتراکات معنوی و فکری دو ملت استوار می باشد. مشترکات نژادی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی آن قدر گسترده است که تفاوت دینی به چشم نمیخورد تا جایی که می توان ادعا کرد نزدیکترین کشور از لحاظ فرهنگی به ایران، ارمنستان است. حال سوالی که مطرح می شود اینست که ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های روابط فرهنگی ایران و ارمنستان تا چه میزان می باشد و آیا تاکنون از این ظرفیت‌ها به نحو احسن استفاده شده است. بر این اساس در چارچوب نظریه سازه‌نگاری، فرضیه این نوشتار بر این نظر استوار است که با وجود پیوندهای دیرین فرهنگی میان ایران و ارمنستان و همچنین وجود ظرفیتهای و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل فراوان بین این دو کشور، تاکنون روابط فرهنگی ایران و ارمنستان در سطح قابل قبولی نبوده است. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی گردآوری شده و نگارش یافته است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، روابط فرهنگی، ارمنستان، فرهنگ، سازه‌نگاری.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی. Mohsen.Nezamabadi@yahoo.com

مقدمه

در سال‌های نیمه قرن بیستم رویکردهای نسبتاً جدیدی در دیپلماسی مطرح شد که توجه افزون‌تر و تأکید بیشتر بر راه کارهای فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می‌کند. لذا استفاده از ظرفیت‌های تاریخی، هویتی، فرهنگی و زبانی و تلاش برای جذب ملت‌ها با اصول دیپلماسی نوین در کنار دیپلماسی سنتی در رأس برنامه کشورها قرار گرفته است. بر این اساس، دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه ساز ارتقای سطح مناسبات میان دولت‌ها و به تبع آن افزایش تفاهم میان ملت‌ها و ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی است. ابزارهای اصلی این نوع دیپلماسی، شامل آموزش زبان، مبادلات آموزشی، گسترش مبادلات فرهنگی-هنری، توسعه همکاری‌های علمی-آموزشی، تعامل نخبگان جوامع، گسترش رسانه‌های فرامرزی، تمرکز بر اشتراکات فرهنگی و دیگر تماس‌های مستقیم فرهنگی هستند که بسترهای مهم درک متقابل جوامع بشری از یکدیگر را فراهم می‌آورند.

پشتوانه چندهزار ساله روابط ایران و ارمنستان که بر ستونهای اشتراکات گسترده و دیرینه معنوی، فکری، فرهنگی، نژادی، جغرافیایی و تاریخی استوار می‌باشد، باعث شده است که بتوان ادعا نمود که نزدیکترین کشور از لحاظ فرهنگی به ایران، ارمنستان است. همین امر بسترهای لازم برای درک متقابل جوامع ایرانی و ارمنی از یکدیگر را فراهم آورده که موجب شده است تا جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان با بهره‌گیری از این ظرفیت‌های تاریخی، هویتی و فرهنگی و همچنین ادراک مثبتی که در اذهان جوامع آن‌ها از یکدیگر نقش بسته است، روابط خود را به خصوص از لحاظ فرهنگی بیش از پیش مستحکم نمایند.

ارتباط و مودت فرهنگی ارمنستان و ایران به عنوان دو کشور و ملتی که از ریشه‌های واحد آریایی و سرنوشت مشابه تاریخی برخوردارند در از نای تاریخ هرگز قطع نشده است و حتی در مواردی که پیوند سیاسی بین آنها بریده شده، پیوند فرهنگی همچنان موجود بوده است.

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دگرگونی در ساختار کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی، در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی، جمهوری ارمنستان اعلام استقلال نمود. بدنبال این تحول، فرصتی شگرف برای دو کشور همسایه ایران و ارمنستان پدید آمد تا پیوندهای کهن و دیرینه خود را بیش از پیش مستحکم نمایند.

بیش از ۲۰ سال است که جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان به عنوان همسایگان قابل اعتماد برای یکدیگر تبدیل شده‌اند. ایران استقلال ارمنستان را در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) و از آن زمان به بعد، دو کشور تا به حال اختلافات مرزی، قومی، مذهبی یا رقابت اقتصادی با هم نداشته‌اند. در حال حاضر، قریب صد هزار ارمنی

در ایران زندگی می‌کنند که بسیاری از آنها در تهران ساکن هستند. (Monique and Racimora, 2013, 1-3)

اگر چه روابط چند هزار ساله دو ملت فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است، اما روابط و تعاملات فرهنگی همواره مسیر خود را یافته و از نسلی به نسل بعد منتقل شده و امروز شاهد میراث غنی از تأثیرات متقابل فرهنگی دو ملت هستیم. روابط ارمنی-ایرانی از بوته آزمایشات زمان گذشته و طی بیست سال اخیر پایداری و علاقه به توسعه را از خود نشان داده است. از آغاز برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور، به دلیل سابقه تاریخی و روابط دیرین و همچنین اشتراکات فرهنگی-ادبی و هنری، این ارتباط همواره از روند صعودی برخوردار بوده است. این روابط همیشه از پیوندهای عادی بین دو ملت و دولت همسایه بیشتر و گسترده تر بوده است. به غیر از عوامل استراتژیکی و اقتصادی، مناسبات دوستی دو ملت نیز یکی از عوامل مهم در توسعه روابط حسن همجواری کشورهای ایران و ارمنستان به شمار می‌رود. اندیشه‌های ملی‌گرایانه ارمنه و ایرانیان و نگاه آنها به جایگاه خود در بعد فرهنگی-تاریخی و ژئوپلیتیکی همیشه مشترکات فراوانی داشته است. در مسیر مشارکت دو کشور صفحات روشن زیادی وجود داشتند ولی گاهی مشکلات عینی بروز می‌کردند.

نوشتار پیش رو درصدد است تا ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های روابط فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان و تعاملات فرهنگی دو کشور را از منظر نظریه سازه‌نگاری تبیین نماید.

چارچوب مفهومی و نظری

با کمک نظریات می‌توان شناخت عمیق‌تری از تحولات و همچنین ماهیت روابط کشورها در عرصه بین‌المللی کسب نمود. پر واضح است که در هر پژوهش سعی بر آنست که بهترین و نزدیکترین نظریه برای تبیین و پاسخگویی بهتر مسئله پژوهش انتخاب گردد، اما با توجه به این واقعیت که هیچ یک از نظریات روابط بین‌الملل توانایی و قابلیت تبیین و پاسخگویی کامل چرایی وقوع یک روند و کنش را در بین بازیگران مختلف ندارند و همچنین این مطلب که می‌توان به موضوع خاصی از زوایای گوناگون و با استفاده از نظریات متفاوت نگریست، بر همین اساس در این نوشتار برای تبیین چرایی وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه فراوان در روابط فرهنگی ایران و ارمنستان، از نظریه سازه‌نگاری بهره برده شده است.

سازه‌انگاری

دهه ۱۹۹۰ شاهد سر بر آوردن رویکرد جدیدی در نظریه و تحلیل روابط بین الملل بوده است که به یکی از تئوریهای اصلی روابط بین الملل تبدیل شده است. سازه‌انگاری از جمله رهیافت‌های جدید در مطالعات اجتماعی و روابط بین الملل است و امروزه تلاش می‌شود مسائل عمده سیاست بین الملل از جمله سیاست و روابط خارجی دولت‌ها با استفاده از آن بررسی گردد.

در دوران جنگ سرد واقع‌گرایی سایه خود را بر تمام مباحث استراتژیک این دوران افکند و به خصوص نظریه‌های فرهنگی در تشریح و تحلیل رفتارهای استراتژیک به شدت در حاشیه قرار گرفتند (عبداله خانی، ۱۳۹۰، ۹). با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ناتوانی واقع‌گرایان در تحلیل و پیش بینی این واقعه بر اساس آموزه‌های خود، و همچنین تضعیف این دست از نظریات، مجدداً نظریه‌های فرهنگی و سازه‌انگاران جان گرفتن و موجب ظهور نقش فرهنگ در روابط بین الملل شد. در رویکرد سازه‌انگاری که از آن به عنوان فرانظریه یاد می‌شود، سعی می‌گردد تا مختصات فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط پیدا می‌کند مورد بررسی قرار گیرند (عبداله خانی، ۱۳۹۰، ۵۶).

مروری بر مباحث فوق و نسبت‌سنجی آن با دیپلماسی و روابط فرهنگی نشان دهنده این است که نظریه سازه‌انگاری با ریشه‌های جامعه‌شناختی معرفتی از قابلیت بیشتری در مقایسه با نظریه‌های رایج برای تبیین دیپلماسی و روابط فرهنگی برخوردار است. پیتر برگر^۱ و توماس لاکمن^۲ در دهه ۷۰ میلادی این نظریه که ریشه‌های آن به مکتب شیکاگو و پدیدارشناسی باز می‌گردد را با تالیف کتاب "ساخت رویکرد اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت" مطرح ساختند (خراسانی، ۱۳۹۰، ۸۷).

نخستین گزاره مهم هستی‌شناسانه سازه‌انگاری این است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی (مورد توجه نوواقع‌گرایان) اهمیت دارند؛ زیرا نظام‌های با معنا هستند که تعریف می‌کنند، کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. دومین گزاره هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند. فهم این که منافع چگونه شکل می‌گیرند، کلید تبیین طیف وسیعی از پدیده‌های بین‌المللی تلقی می‌گردد که درست درک نشده‌اند یا مورد غفلت قرار گرفته‌اند. براساس سومین گزاره، کارگزاران و ساختارها به یکدیگر متقابلاً شکل می‌دهند. به نظر سازه‌انگاران، ساختارها در اصل مادی نیستند، بلکه بر اساس تصور و خیال‌اندیشی بنا شده‌اند، که شامل هنجارها، باورها، رویه‌ها و عادات مشترک هستند و با این وجود از یک پیامد مادی برخوردارند. بنابراین سازه‌انگاری بیشتر یک مقوله ادراکی و

1. Peter Ludwig Berger
2. Thomas Luckmann

اجتماعی است تا یک موضوع اساساً مادی‌گرایانه و فردگرایانه. بدین ترتیب، سیاست هویت در داخل برای هویت و منافع و رفتارهای دولت در خارج، امکانات و نیز محدودیت‌هایی را فراهم می‌آورد. از این رو، دولت نیازمند است تا از طریق یک نوع هویت ملی در داخل برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار استخراجی که روی هویت آن در خارج، تأثیر می‌گذارد عمل کند (ونت، ۱۳۸۵، ۲۴۸-۲۵۸).

سازهانگاران بیان می‌دارند، کنش‌ها و رفتارهای سیاسی فرد و جامعه بر اساس هویت و فرهنگ آن جامعه، صورت بندی می‌شود. ساخت هویت در هر کشوری به گونه‌ای مختلف است. این مهم، موجب شد رابطه میان فرهنگ و حوزه‌های مختلف، از جمله قدرت و سیاست در سطح بین‌المللی هویدا شده و در کانون توجه محققان روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل قرار گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۰، ۲۶۳).

به طور کلی، یکی از مختصات عمده نظریه سازهانگاری، توجه به ساختارهای فرهنگی و هنجاری در کنار عنصر مادی است به گونه‌ای که حتی در این شرایط، انگاره‌ها هستند که به عناصر مادی قدرت، مانند تسلیحات، سرزمین و جمعیت، معنا بخشیده و هنجارها در شکل منافع، دارای نقش عمده‌ای هستند. آنچه در این حوزه، اهمیت دارد این است که باید دید تا چه اندازه، میان هنجارهای داخلی و بین‌المللی تناقض وجود دارد. نظریه سازهانگاری، چارچوبی برای فهم و درک این تناقضات هنجاری بین ارزش‌ها و هنجارهای داخلی و خارجی است که دستگاه سیاست خارجی را موظف به نزدیک کردن این هنجارها و تبدیل آنها به فرهنگی مشترک، جهت ایجاد تعاملات و مناسبات دوستانه در عرصه جهانی می‌کند (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۵۳).

از نظر ونت، نظریه پرداز اصلی تئوری سازهانگاران، دولتها موجودیت‌هایی هستند که می‌توانیم به آنها هویت و منافع را منتسب کنیم (ونت، ۱۳۸۴، ۳۲۵).

درک اینکه چگونه این هویتها ساخته می‌شوند، چه هنجارها و رویه‌هایی با بازتولید آنها همراه است و چگونه آنها یکدیگر را می‌سازند، بخش مهمی از برنامه پژوهشی مکتب برسازی را تشکیل می‌دهد (هوپف، ۱۳۸۵، ۴۷۵). مکتب برسازی بر آن است تفسیری از سیاست هویت به دست دهد و راهی برای شناخت این مسئله ارائه کند که چگونه فرهنگ، تاریخ، هنجار، رویه‌ها و ارزشهای مشترک و سایر همبستگی‌های بین‌ذهنی یک به یک در تفسیر سیاست جهان نقش دارند (هوپف، ۱۳۸۵، ۴۷۵).

از نظر سازهانگاران، هویت دولتها ریشه در نظریه‌هایی دارند که کنشگران به طور جمعی در مورد خودشان و دیگران دارند. هویتها را نمی‌توان به شکلی ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد، کنشگران با مشارکت در معانی جمعی است که هویت کسب می‌کنند. آنها ذاتا

اموری رابطه‌ای هستند و باید به عنوان مجموعه‌ای از معانی که کنشگر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران، یعنی به عنوان ابژه اجتماعی به خود نسبت می‌دهد، تلقی شوند (خضری، ۱۳۸۸، ۸۲).

هویتها ما را به خود و دیگران و نیز سایرین را به ما معرفی می‌کنند. دولت سایرین را بر اساس هویتی که او به آنها نسبت می‌دهد درک کرده، در حالی که به طور همزمان از طریق اعمال اجتماعی روزانه به بازتولید هویت خویش مبادرت می‌کند (قوام، ۱۳۸۴، ۲۲۵).

این اصل بنیادین سازه‌انگاری است که مردم نسبت به چیزها، از جمله دیگر کنشگران، بر پایه معانی که آن چیزها برایشان دارند، عمل میکنند (ونت، ۱۳۸۵، ۳۶). هر بازیگری به عنوان حامل یک هویت، فهم و انتظار ویژه‌ای از خود دارد و مناسبات خود با دیگران را براساس همان فهم و نقش شکل می‌بخشد. دیگری نیز در شکل‌گیری هویت یک بازیگر (خود) نقش مهمی دارد؛ چون بخش اعظم رفتار ما (خود) بر اساس چشم‌انداز، انتظار و برداشت و شناسایی دیگری شکل می‌گیرد. معنای رفتار من و ادراک دیگری از آن رفتار و بالاخره، جمع‌بندی من از برداشت دیگری، سه پایه تشکیل دهنده رفتار بازیگر را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، بین هویت و تصمیم و سیاست بازیگران ربط وثیقی وجود دارد، چون هر بازیگری در رابطه با سایر بازیگران و درباره آنها برداشت‌های خاصی دارد و بر اساس همین برداشت‌هاست (که ممکن است کاملاً غیرواقعی باشند) که منافع خاصی تولید کرده و سیاست‌گذاری می‌کند. نوع و میزان تعامل میان بازیگران تا حدود زیادی تابع این تفسیر است که چه کسی خودی و کدام بازیگر دگر ماست (نصری، ۱۳۸۵، ۸).

ونت توضیح می‌دهد که چگونه "خود" بر اساس برداشتی که از وضعیت دارد، نشانه‌ای برای دیگری می‌فرستد و دیگری این نشانه را بر مبنای برداشت خودش از وضعیت تفسیر می‌کند و این فرآیند علامت‌دادن، تفسیرکردن و پاسخ‌دادن "عمل اجتماعی"، را کامل و فرایند خلق معناها بین‌الذهانی را آغاز می‌کند و در این تعامل است که هویت خود و دیگری شکل می‌گیرد. در این روند دولتها یکدیگر را به صورت دشمن، رقیب یا شریک معرفی می‌کنند و کنش‌های آنها تهدیدآمیز یا دوستانه تلقی می‌شود (خضری، ۱۳۸۸، ۸۲).

در سایه این تصورات و تلقی‌هاست که دولتها و ملت‌ها، وضعیت موجود نظام بین‌الملل را قابل تحمل یا غیرقابل تحمل می‌یابند و با این تصورات در صدد تغییر یا حفظ نظم موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند و بر علیه دیگری اقدام می‌کنند. شدت و ضعف این دوستی‌ها و دشمنی‌ها نیز به تصورات بسته است. آنها موقعیت‌ها را برای خود معنادار می‌کنند، حوزه‌های نفوذ خود را تعریف و ضرورت‌ها و نیازهای خود را بازشناسی می‌کنند و در یک کلام سیاست خارجی خود را می‌سازند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶، ۲۲۰).

برای سازه‌انگاران تمامی پدیده‌های اجتماعی از جمله گرایش‌های سیاست خارجی، به صورت اجتماعی برساخته می‌شوند و این شامل تصمیم‌های دو کشور در مورد طرف مقابل و وضعیت روابط دو کشور نیز می‌شود. بررسی برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد وضعیت موجود در روابط دو کشور، بی‌ارتباط با نگرش‌های جاری میان مردمان دو کشور نیست. به عبارت دیگر، تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌های موجود در هر کشور با اندیشه‌ها و برداشت‌های جاری در آن جوامع مرتبط است و همخوانی و ناهمخوانی میان سیاست‌های دو کشور به نوعی با ارزش‌های برساخته شده در درون آن جامعه نیز ارتباط پیدا می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۸، ۹۴).

هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهد و از این رو، درک درست آنها برای تحلیل سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران حیاتی است. سازه‌انگاری در پی احیای روشمند نقش ایده‌ها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی خواهد بود. توجه مسئله نقش "تصویرهای ذهنی" از خود و دیگران در شکل‌دهی به سیاست خارجی مورد در تحلیل‌های سازه‌انگار بوده است. این مسئله از طریق قرارگرفتن مسئله "هویت" نظام سیاسی مرکز تحلیل سیاست خارجی تحقق می‌یابد. با محور قرارگرفتن هویت است که ایده مرکزی سازه‌انگاری مبنی بر قراردادن ذهنیت به عنوان قوام بخش نظام تحقق می‌یابد و نظریه سیاست خارجی سازه‌انگاری ممکن می‌شود (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶، ۲۲۰).

وقتی به صورت تاریخی برخی هنجارها و ارزش‌های مشترک مانند اشتراکات گسترده و دیرینه معنوی، فکری، فرهنگی، نژادی، جغرافیایی و تاریخی، حسن هم‌جواری و احساس دوستی با هدف رفع نیارهای یکدیگر در زمان احتیاج، رفت و آمد آسان و دید و بازدید از کشورهای یکدیگر، وجود بیش از هزار و چهارصد کلمه فارسی-پهلوی در زبان ارمنی، علاقه مردم ارمنستان به برخی شاعران مشهور ایرانی به ویژه فردوسی و کتاب مشهور وی شاهنامه، وجود اقلیت‌های یکدیگر در دو کشور و بسیاری موارد دیگر حکم می‌کند که بر اساس این هنجارها، هویت‌ها و ارزش‌های مشترک که مورد تأکید سازه‌انگاران است، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده ظرفیت‌های فراوان روابط فرهنگی دو کشور است، موکد لزوم گسترش و تقویت همکاری‌ها و روابط فرهنگی این دو نیز می‌باشد.

این نوع ارزش‌های مشترک غیر مادی و همچنین ادراک مثبتی که جوامع ارمنی و ایرانی از یکدیگر دارند، در ذهن تصمیم‌گیران دو کشور تأثیرگذار است و آنها را به هم‌اندیشی مشترک و همکاری به سوی منافع مشترک هدایت می‌کند. بنابراین نظریه سازه‌انگاری با توجه به نزدیکی‌ها و اشتراک‌های فرهنگی، ارزشی و هنجاری می‌تواند در چارچوب‌سازی روابط فرهنگی دو کشور مورد استفاده قرار گیرد و می‌تواند روابط فرهنگی ایران و ارمنستان را با توجه به اشتراک‌های موجود بهتر توضیح دهد.

در ادامه این نوشتار با بررسی روابط تاریخی دو کشور و همچنین روابط فرهنگی ایران و ارمنستان پس از فروپاشی شوروی، نگاهی به برخی از اشتراکات و ارزش‌های فرهنگی-تاریخی مشترک ایرانیان و ارمنه خواهیم انداخت.

روابط ایران و ارمنستان در دوره پیش از استقلال

کوروش، سردار پارتی دولت ماد، پس از اتحاد با برخی از فرمانروایان همجوار از جمله پادشاه ارمنستان، سرانجام موفق شد مادها را شکست دهد و پایتخت آنان، یعنی هگمتانه را به تصرف در آورد و چون خود از طایفه هخامنشیان بود، سلسله‌ای به همین نام در ایران تاسیس کرد (گیرشمن، ۱۳۷۲، ۱۳۷-۱۳۸).

از آنجایی که ارمنستان در مبارزه علیه مادها از متحدان کوروش به حساب می‌آمد پادشاهان این کشور امید داشتند که استقلال خود را باز یابند و دیگر مطیع دولتی خاص نباشند (پارسامیان، ۱۹۶۳، ۱۲۹). اما به زودی ارمنستان نیز مانند سایر نواحی تحت سیطره حکومت هخامنشیان مطیع این دولت و مجبور به پرداخت مالیات و در اختیار قرار دادن بخشی اعظم از سپاهیان خود در زمان جنگ به دولت هخامنشی شد (ماله، ۱۳۴۲، ۱۳۹).

در مورد چگونگی فتح ارمنستان به دست کوروش مورخانی چون هرودوت، که تاریخ او از منابع اصلی این دوره محسوب می‌شود، مطلب چندانی بیان نکرده‌اند. شاید به این علت که ارمنستان تحت سیطره مادها و جزو قلمرو این دولت به شمار می‌رفته لذا پس از فروپاشی مادها به دست کوروش باید تحت نفوذ و قدرت او در می‌آمده است. در مورد لشکرکشی کوروش به ارمنستان تنها گزنفون^۱ مطالبی را بیان کرده که آن هم مربوط به زمان اتحاد ارمنستان با کوروش علیه مادهاست. به هر حال، آنچه مسلم است اینکه ارمنستان در دوره کوروش جزو مستملکات هخامنشیان به شمار می‌رفت. کوروش بنابر سیاست‌های توسعه طلبانه خود به زودی بابل را نیز تصرف و در معبد بزرگ آن تاجگذاری کرد و در همین مکان بود که منشور معروف خود در زمینه احترام به آزادی مذهب و حقوق ملل مغلوب را صادر کرد که این امر به طور قطع شامل ملت ارمنی نیز می‌شد (پیرنیا، ۱۳۷۳، ۳۷۶-۳۷۷).

پس از کوروش کمبوجیه قدرت را به دست گرفت. در دوران حکومت او تا دوره پادشاهی داریوش اول وضعیت ارمنستان همانند دوره پیشین باقی ماند. آغاز سلطنت داریوش اول همراه با شورش‌های سرزمین‌های مختلفی بود که تحت سلطه هخامنشیان قرار داشتند (گیرشمن، ۱۳۷۲، ۱۵۲).

1. Xenphon

داریوش پس از اینکه موفق شد به شورش‌ها پایان دهد و سرزمین‌های فراوانی را تصرف کند و آنها را ضمیمه دولت هخامنشی سازد به منظور ایجاد ثبات و پایداری در حکومت خود تصمیم گرفت با مجموعه اقداماتی، که در آن زمان در نوع خود بی‌نظیر بود، به شیوه‌ای جدید و خاص فرمانروایی عظیم هخامنشی را، که شامل سرزمین‌ها، اقوام و ادیان متعدد می‌شد، اداره کند. به این منظور ابتدا امپراتوری هخامنشی را به ایالت‌هایی تقسیم کرد و اداره هر ایالت را به فردی که معمولاً برخاسته از ملیت همان ایالت بود و در امور حکومتی و قضایی آن قدرت تام داشت واگذار کرد. البته، همه ساله از سوی شاه بازرسانی تمامی این ایالت‌ها را مورد بازدید قرار می‌دادند و چگونگی انجام امور را به اطلاع شاه می‌رساندند. این ایالت‌ها موظف به پرداخت خراجی معین بودند و البته، ملیت‌های مختلف این فرمانروایی می‌توانستند مذهب و آداب و رسوم خود را کاملاً حفظ کنند (دولاندلن، ۱۳۴۵، ۴۷-۵۹).

بر این اساس و بنابر آنچه از نوشته‌های هرودوت بر می‌آید ارمنستان سیزدهمین ایالت فرمانروایی هخامنشیان محسوب می‌شد که می‌بایست سالانه خراجی معین به صورت‌های مختلف پرداخت می‌کرد (دورانت، ۱۳۴۳، ۵۱۹).

آخرین پادشاه سلسله هخامنشی داریوش سوم بود. او پیش از آنکه به سلطنت رسد ایالت ارمنستان را اداره می‌کرد. داریوش در دوران حکومتش بر این ناحیه با مردم ارمنستان در کمال عدل و مروت رفتار کرده بود لذا ارمنیان نیز او را بسیار دوست می‌داشتند و از اینکه به مقام پادشاهی دست یافته بود احساس رضایت می‌کردند. (پاسدراجیان، ۱۳۷۷، ۲۹).

دوران حکومت داریوش سوم مصادف شد با فتوحات اسکندر مقدونی که اهدافی بزرگ در سر می‌پروراند و به قصد جهان‌گشایی به طرف شرق و سرزمین ایران در حال پیشروی بود. (پیرنیا، ۱۳۷۳، ج ۲، ۱۲۹۱-۱۲۹۴).

با پایان یافتن این نبرد مشترکات تاریخی ارمنستان و ایران در دوره مذکور به پایان می‌رسد اما تاریخ این دو ملت در دوره‌های بعد نیز شاهد نمونه‌های بسیاری از این گونه مشترکات است. (پارسامیان، ۱۹۶۳، ۵۱) یکی از این دوره‌ها، دوران صفویان است که در یکی از اسناد این دوره، از عدم ایجاد مزاحمت برای مسیحیان ارمنی، وجود آزادی‌های مذهبی و آزادی عمل در برپایی تشریفات و مراسم دینی یاد شده است (تقوی، ۱۳۸۸، ۵۰).

روابط ایران و ارمنستان در دوره پس از استقلال

روابط ایران و ارمنستان با اینکه ابتدا به سرعت گسترش یافت، اما دچار فراز و نشیب‌هایی نیز بوده است. روابط دو کشور در نتیجه شرایط پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال دولت های قفقاز جنوبی توسعه چندانی نداشت (Sadeghzadeh, 2006, 122). جمهوری اسلامی

ایران سه ماه پس از استقلال ارمنستان، در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ این کشور را به رسمیت شناخت. ایران با توجه به داشتن مرز با ارمنستان و منافع سیاسی و امنیتی در منطقه در سال ۱۹۹۲ با این کشور روابط دیپلماتیک برقرار کرد. موقعیت جغرافیایی ارمنستان برای ایران جهت دسترسی به اروپا و اهمیت ایفای نقش مؤثر در قفقاز جنوبی، شرایط ناشی از بحران قره‌باغ، در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ سبب شد مناسبات دو کشور توسعه یابد. با توجه به موقعیت ارمنستان، آرامنه هم خواستار گسترش و توسعه روابط خود با ایران هستند (Sadeghzadeh, 2008).

بیانیه برقراری روابط دیپلماتیک بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان در تاریخ ۹ فوریه ۱۹۹۲ در تهران به امضاء رسید. مراسم افتتاح سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان در آوریل ۱۹۹۲ برگزار گردید و به دنبال آن آقای بهرام قاسمی به عنوان کاردار جمهوری اسلامی ایران در ایروان منصوب شد. در دسامبر ۱۹۹۲ سفارت جمهوری ارمنستان در تهران افتتاح و آقای واهان بابوریان به عنوان کاردار جمهوری ارمنستان به تهران اعزام شد (سفارت ایران در ایروان).

در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ تحولات داخلی و عملکرد سیاست خارجی ارمنستان بر روابط دو کشور تأثیر داشت. افزایش مناسبات ارمنستان با اسرائیل و همچنین افزایش همکاری این کشور با ناتو باعث شد تا شاهد کاهش سطح همکاری‌های اقتصادی دو کشور باشیم که شاخص مهم آن کاهش حجم روابط تجاری بود. علاوه بر عوامل یادشده باید اقدام‌های داخلی مانند قدرت گرفتن جریان‌های طرفدار غرب در هیأت حاکمه ارمنستان را نیز افزودا با رفع سوءتفاهم‌ها بین دو کشور، بار دیگر مناسبات آنها بهبود و روند روابط دو کشور نیز توسعه یافته است (Novikova, 2000, 60).

دو کشور در زمینه‌های مختلف به همکاری پرداخته‌اند و برای گسترش و تعمیق روابط خود قراردادهای موافقتنامه‌های متعددی را امضا کرده‌اند. در سفر محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۷ به ارمنستان نیز هر دو کشور بر اهمیت پیگیری طرح‌های راهبردی مانند راه‌آهن، پالایشگاه، خطوط انتقال گاز و برق، حمل و نقل، استفاده بهتر از آب ارس و تأسیس سد و نیروگاه تأکید کردند. امضای یادداشت تفاهم در بخش‌های اقتصادی، بانکی و کنسولی، سرمایه‌گذاری، همکاری‌های مشترک و ساختن نیروگاه بادی از سوی بخش خصوصی ایران در ارمنستان و بیانیه مشترک از دیگر دستاوردهای سفر رییس‌جمهور به ارمنستان بود. رییس‌جمهوری ایران گسترش روابط بانکی و تجاری و استان‌های مرزی دو کشور برای تعمیق مناسبات مفید دانست. او به‌همین دلیل در جهت گسترش همکاری‌های دو کشور، با گشایش کنسولگری ارمنستان در تبریز موافقت کرد. روبرت کوچاریان رییس‌جمهوری ارمنستان نیز بر

توسعه همه‌جانبه روابط تهران و ایروان تأکید کرد. کوچاریان با اشاره به فعالیت کمیسیون مشترک همکاری دو کشور تصریح کرد: ایروان برای توسعه روابط با تهران در ابعاد مختلف به‌طور جدی تمایل دارد و همه موانع باید برطرف شود. کوچاریان همچنین همکاری در ساخت سد و نیروگاه در ارمنستان از سوی ایران را خواستار شد (Senhurt, 2012). در ماه اوت سال ۲۰۱۳ سرژ سارگسیان رهبر ارمنستان به منظور شرکت در مراسم تحلیف حسن روحانی رئیس‌جمهور جدید، از ایران دیدار کاری به عمل آورد. همچنین ظریف وزیر امور خارجه ایران در سال ۲۰۱۵ به ارمنستان سفر کرد و با دعوت رسمی ارمنستان، احتمال می‌رود که روحانی در سال ۲۰۱۵ به ارمنستان سفر داشته باشد. ارمنستان در سالهایی که با مسائل اقتصادی ناشی از مناقشه قراباغ دست به گریبان بوده اند، به کمک ایران توانست با دنیای خارج ارتباط برقرار کند و به دلیل سیاست‌های مدیرانه و متوازن دولتمردان ایران توانست دوست و همسایه خوبی را در مجاورت خود داشته باشد (ایران آریو).

روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان

مقدمه

در طی سالهای پس از فروپاشی، به دلیل سابقه تاریخی و روابط دیرین و همچنین اشتراکات فرهنگی - ادبی و هنری، گسترش زبان فارسی در ارمنستان از مهمترین موضوعات کاری سفارت جمهوری اسلامی ایران شد. محافل دولتی و علمی ارمنستان نیز از این سیاست حمایت کردند. عمده فعالیت‌های فرهنگی دو کشور شامل بررسی، پیگیری، تنظیم، امضاء و اجرای توافقنامه‌های فرهنگی، احترام متقابل هیئت‌های علمی-فرهنگی و هنری، توسعه و گسترش زبان ارمنی در هر دو کشور، همکاری‌های علمی و دانشگاهی، انجام تحقیقات ایران شناسی در مراکز دانشگاهی ارمنستان، تاسیس باشگاه مهر، ترجمه و چاپ آثار علمی و فرهنگی، چاپ و انتشار نشریات ادواری (مهر و پارسیان، پیمان)، برگزاری سمینارهای دانشگاهی، همکاری‌های جهانگردی، ایجاد و تجهیز کتابخانه در دانشگاه‌ها و مسجد کبود ایروان، همکاری‌های رسانه‌ای و تولید برنامه‌های تلویزیونی و همکاری‌های ورزشی بوده است. (کتاب سبز ارمنستان، ۱۳۸۸، ۱۷۱)

توافقنامه‌های فرهنگی دو کشور

از آنجا که در عرف بین الملل، شروع روابط رسمی دو کشور در هر حوزه‌ای با تنظیم و امضای توافقنامه‌های رسمی میان آنها صورت می‌گیرد تا مشخص کننده مسیر توسعه همکاری‌های آتی با ارائه راهکارهای منظم و مدون باشد، امضای اولین موافقتنامه رسمی همکاری فرهنگی

بین مقامات بلندپایه ایران و ارمنستان در سال ۱۳۷۲ش / ۱۹۹۳م، طلوعی بر خورشید روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان پس از فروپاشی شوروی، بود. (کتاب سبز ارمنستان، ۱۳۸۴، ۱۷۳)

مراکز و انجمن‌های علمی و فرهنگی

با شروع روابط فرهنگی ایران و ارمنستان، یکی از برنامه‌های رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان، شناسایی و بهره‌گیری از پتانسیل مراکز، انجمن‌ها و کانون‌های علمی- فرهنگی حاضر در ارمنستان و همچنین راه‌اندازی کانون‌های و باشگاه‌های فرهنگی برای پیشبرد امور فرهنگی بوده است. از دستاوردهای رایزنی فرهنگی در ارمنستان می‌توان به تشکیل انجمن دوستی ایران و ارمنستان، باشگاه فرهنگی ارمنستان - ایران " مهر " در کنار همکاری با مراکز فرهنگی ارمنستان از جمله باشگاه بین‌المللی زبان، مراکز فرهنگی و خیریه، و همچنین مراکز تربیتی و آموزشی اشاره نمود. (رایزنی فرهنگی، ۱۳۹۰)

برگزاری هفته‌های فرهنگی در ارمنستان

یکی از محورهای اساسی فعالیت‌های فرهنگی بین دو کشور برگزاری هفته‌های فرهنگی - هنری است. به دلیل اینکه این هفته‌ها در ایام مشخص سال و بنابر مناسبت‌های مهم با موضوعات موسیقی، هنرهای نمایشی، تجسمی، رسانه‌های دیجیتال، فیلم، میزگردهای علمی و... برگزار می‌شود، بهترین فرصت برای معرفی فرهنگ دو ملت به یکدیگر است. همزمان با برگزاری این هفته‌ها هیئت‌های مختلف از هنرمندان برای اجرای موسیقی و برپایی نمایشگاه و اجرای نمایش به هر دو کشور اعزام می‌شوند که به منزله یکی از محورهای برقراری پل دوستی بین دو کشور است. در این زمینه دو دولت ارمنستان و ایران نیز نهایت مساعدت و همکاری را تا کنون داشته‌اند که شاید بتوان اذعان داشت در بین کشورهای منطقه بی‌نظیر است. (شیراوند، ۶۰، ۱۳۹۰)

برگزاری هفته‌ی فیلم جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان در تیرماه ۱۳۹۵ به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، از جمله فعالیت‌های فرهنگی ایران در ارمنستان می‌باشد و در طی این هفته، هر روز یکی از فیلم‌های منتخب ایرانی برای علاقمندان در این کشور به نمایش در می‌آید (انجمن دوستی ایران - ارمنستان، ۱۳۹۵). همچنین هفته موسیقی سنتی ایرانی با نام نغمه‌های انتظار به همت رایزنی فرهنگی کشورمان از ۲۹ اردیبهشت‌ماه تا ۴ خرداد ۱۳۹۵ در ایروان برگزار شد. (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۵)

ترجمه و چاپ آثار علمی و فرهنگی

در کنار تالیفات تاریخی در زمینه فرهنگ و ادب باید آثار ژان مامیکونیان و آنانیا شیراکی، ریاضی‌دان و اخترشناس ارمنی را بیفزاییم. در قرن هشتم میلادی علاوه بر "تاریخ آلبان‌ها" تالیف موسی کالانکاتوایی و "تاریخ جنگ‌های اعراب" نوشته لئونتیوس، اثری هم از نرسس سوم در دست داریم. (مارکاریان، ۱۳۸۶، ۳۰).

در دهه بیست قرن بیستم میلادی و با الحاق ارمنستان به اتحاد جماهیر شوروی، تاسیس کرسی‌های شرق شناسی و ایران شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ارمنستان منجر به ترجمه و چاپ آثار ادبیات فارسی به زبان ارمنی شد و در این دوره، آثار شاخص ادبیات فارسی همچون شاهنامه و نیز اشعار بسیاری از شاعران ایرانی همچون حافظ، مولوی خاقانی و خیام به زبان ارمنی ترجمه و چاپ شدند.

در خصوص ترجمه آثار ادبی فارسی به زبان ارمنی، فعالیت‌هایی نیز در داخل ایران صورت گرفته که از جمله می‌توان به ترجمه‌های هوسپ میرزا در بیان شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام و نیز فعالیت انجمن ادبی نوراج یا برگ‌ی تازه اشاره کرد. همچنین جمع‌گیری از نویسندگان ارمنی ایران نیز بعضاً آثار نویسندگان ارمنی را به فارسی برگردانده‌اند که حاصل فعالیت‌های آنان به صورت پراکنده در مجلات و صفحات ادبی مطبوعات ایران به چاپ رسیده است. احمد شاملو در کنار ترجمه آثار شاعران جهان توجهی ویژه به شعرارمنی داشت و منظومه زیبای "جنون‌زدگان خشم" اثر یقیشه چارنتس، شاعر انقلابی ارمنی را به زبان فارسی برگردانده است که در این مورد می‌توان نقش سرکیسیان، همسر وی را از نظر دور داشت (مارکاریان، ۱۳۸۶، ۳۳).

نویسندگان ایرانی بسیاری هستند که به موضوع کشتار ارمنیان پرداخته‌اند. از جمله این افراد، اسماعیل رائین است که نتیجه بررسی‌های علمی خود را در قالب کتابی موسوم به "قتل عام ارمنیان" به رشته تحریر درآورده است. همچنین محمدرضا دبیری، طی یادداشتی تحت عنوان "کشتار و کوچ اجباری ارمنیان: نسل‌کشی یا ضرورت جنگی؟" به این واقعه پرداخته است. (آراکلیان، ۱۳۹۱، ۹۵)

در ارمنستان ترجمه آثار و متون مختلف از ارمنی به فارسی و برعکس از اهمیت خاصی برخوردار است. به طور کلی با اینکه از زمان چاپ و ترجمه آثار متقابل فارسی و ارمنی زمان زیادی نمی‌گذرد اما در هر دو کشور تا کنون توجه خاصی به این موضوع مبذول شده است. ترجمه ضرب‌المثل‌های فارسی، آثار رودکی، مولوی، حافظ، ترجمه قرآن کریم، قابوسنامه، آثار سینمایی و دائره‌المعارف‌ها از زبان فارسی و ارمنی و ترجمه کتب درسی ادبیات تاریخی ارمنی به فارسی و ترجمه فارسی رمان "خنجری در این باغ" اثر واهه کاجا و همچنین چاپ کتب

درسی زبان فارسی در ارمنستان، از جمله فعالیت‌های قابل توجه در حوزه ترجمه و چاپ است (رایزنی فرهنگی، ۱۳۹۰) (انجمن دوستی ایران - ارمنستان، ۱۳۹۵).
 نشریه‌های ارمنی بسیاری در ایران به چاپ می‌رسند که از جمله آنها می‌توان به شایوق، گوتز، قرداغ، آیگ، زانگ اشاره نمود که در اوایل قرن بیستم میلادی فعالیت می‌کردند (بیگلریان، ۱۳۹۱، ۳۵). همچنین پس از انقلاب مراکز چاپ و نشر ارمنی از جمله انتشارات نائیری، آلیک، مجله پیمان و همچنین مراکز چاپ و نشر غیر ارمنی و گاهی مراکز مختلف علمی دولتی، باعث پیشرفت در زمینه ترجمه و آشنایی با زبان ارمنی در ایران گردید.

آموزش زبان‌های ارمنی و فارسی در ایران و ارمنستان

از مهمترین و کهن‌ترین مراکز زبان و فرهنگ ارمنی در ایران کلیسای آمن‌پرگیچ مقدس اصفهان (معروف به کلیسای وانک جلفا) است. در سال ۱۳۳۹ در دانشکده ادبیات اصفهان کرسی زبان و ادبیات ارمنی دایر گردید و هشت سال بعد، در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۷، از طرف استادان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برنامه آموزش زبان ارمنی کلاسیک و معاصر تدوین گردید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کرسی زبان و ادبیات ارمنی اصفهان و کرسی ازمنی شناسی دانشگاه تهران بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر فارغ‌التحصیل داشته‌اند و به جمع کثیری زبان ارمنی را در ایران آموخته‌اند. در حال حاضر نیز در دانشگاه آزاد اسلامی تهران کرسی زبان و ادبیات ارمنی دایر شده است (ملکمیان، ۱۳۸۹، ۷۵).

پس از برقراری روابط تاریخی، از سال ۱۹۹۱ گسترش زبان فارسی در ارمنستان، از مهم‌ترین موضوعات کاری سفارت جمهوری اسلامی ایران شد. محافل دولتی و علمی ارمنستان نیز از این سیاست حمایت کردند. ارمنستان بافت مجزایی از دیگر مناطق همجوار ایران دارد. به همین دلیل، رشد و گسترش زبان فارسی در آنجا به گونه دیگری بوده است. در زمینه آموزش زبان و ادبیات فارسی کوشش‌های فراوانی در جهت رشد و توسعه آن به عمل آمده، به طوریکه رفته رفته به تعداد مدارس و آموزشگاه‌های عالی آموزش زبان فارسی، چه در ایروان و چه در شهرهای دیگر ارمنستان، افزوده شده است. در حال حاضر، ده مدرسه و اکثر دانشگاه‌های ارمنستان به آموزش زبان فارسی مشغول یا دارای بخش‌های ایران‌شناسی هستند. در کل کشورهای مشترک المنافع به جز تاجیکستان، رتبه اول در گسترش زبان فارسی به ارمنستان اختصاص دارد (شیراوند، ۱۳۹۰، ۷۵).

رسانه

رادیو ارمنی، عضوی از خانواده برنامه‌های برون مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

است. در حال حاضر، در بخش برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی روزانه ۳۶ برنامه رادیویی، شش شبکه تلویزیونی و چهل پایگاه اینترنتی برنامه های برون مرزی را به زبان‌های گوناگون پخش می‌کنند. از نظر سابقه تاسیس، رادیو ارمنی در صف مقدم برنامه های برون مرزی صدا و سیما قرار دارد. سال ۱۳۲۵ شمسی، آغاز فعالیت رادیو ارمنی در ایران است و طی دورانی فراتر از نیم قرن تحولات متعددی در آن رخ داده است. در آغاز فعالیت، در سال ۱۳۲۵ شمسی تبریز به منزله محل استقرار رادیو در نظر گرفته شد و به همین دلیل، نخستین مترجمان و گویندگان آن از ساکنان این شهر انتخاب شدند. با پیروزی انقلاب اسلامی، محل استقرار رادیو ارمنی از تبریز به تهران انتقال یافت. سپس در خرداد ۱۳۵۸، پخش برنامه برای داخل کشور به مدت سی دقیقه در هر شب آغاز شد. از جمله اهداف سیاست خارجی ایران در دوران پس از انقلاب، تقویت همکاری‌های منطقه ای بوده است و رادیو به منزله ابزاری برای نزدیکی ملت‌ها و نیز افزایش شناخت واقعیت‌ها و توانمندی‌های دوجانبه به کار گرفته شد و البته پس از فروپاشی شوروی و استقلال ارمنستان در سال ۱۳۷۰، این سیاست مورد تاکید قرار گرفت. (حسینیان، ۱۳۹۰، ۴۰)

در مورد حضور نشریات ارمنی در ایران باید گفت که نشریه های ارمنی بسیاری در ایران به چاپ می‌رسند که از جمله آنها می‌توان به شاویق، گوتز، قرداغ، آیک، زانگ اشاره نمود که در اوایل قرن بیستم میلادی فعالیت می‌کردند (بیگلریان، ۳۵، ۱۳۹۱). همچنین پس از انقلاب مراکز چاپ و نشر ارمنی از جمله انتشارات نائیری، آلیک، مجله پیمان و همچنین مراکز چاپ و نشر غیر ارمنی و گاهی مراکز مختلف علمی دولتی، باعث پیشرفت در زمینه ترجمه و آشنایی با زبان ارمنی در ایران گردید.

به همت رایزنی فرهنگی ایران در ارمنستان، ماهنامه فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان «آقبیور»، به زبان ارمنی، در این کشور چاپ و منتشر میگردد. همچنین دو فیلم ایرانی "آل" و "شکار روباه" و سریال "تعبیر وارونه یک رویا" از جمله کارهای هنری هستند که بخش عمده تصویربرداری آنها در ارمنستان صورت گرفته است که حضور پررنگ هنرمندان ارمنستانی به چشم می‌خورد که این امر به گسترش روابط روزافزون فرهنگی ایران و ارمنستان می‌انجامد. (رایزنی فرهنگی، ۱۳۹۴)

اشتراکات فرهنگی ایران و ارمنستان

اشتراکات و پیوندهای فرهنگی بسیاری میان ارامنه و ایرانی‌ها وجود دارد که در هزاره‌های تاریخ زمینه همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه این مردم را فراهم آورده است. ایرانی‌ها و ارامنه به یک قوم مادر اولیه تعلق دارند و زبان‌هایشان نیز به خانواده زبان‌های هند و اروپایی تعلق دارد.

وجود این سابقه تاریخی و روابط دیرین و همچنین اشتراکات فرهنگی، ادبی و هنری باعث ایجاد زمینه‌های روشن در ایجاد روابط فرهنگی نزدیک و مستحکم میان ایران و ارمنستان شده است. دلیل تاکید نظریه سازه‌نگاری بر هنجارها، هویتها و ارزش‌های مشترک، به بررسی بخشی از اشتراکات فرهنگی ایران و ارمنستان که باعث ایجاد حس و ادراک مثبت مشترک میان جوامع ایرانی و ارمنی و ذهنیتی مثبت در اذهان تصمیم‌گیران دو کشور شده است و نشانی از وجود ظرفیت‌های فراوان روابط فرهنگی میان دو کشور است، می‌پردازیم.

زبان و ادبیات

وجود اشتراکات و مناسبات فرهنگی و تاریخی بسیار میان ایران و ارمنستان موجب شده است که زبان فارسی و فرهنگ ایرانی از دیرینه‌ترین روزگار در ارمنستان از جایگاه خاصی برخوردار و به عنوان زبان دوم آرامنه مورد اقبال و توجه مردم واقع گردد، و آرامنه به فراگیری آن شوق و ذوق بسیار نشان دهند. افزون بر این، حضور آرامنه ایرانی در ارمنستان نیز یکی از عوامل تشدیدکننده انگیزه مردم به یادگیری زبان فارسی است. (مدرسی، ۸، ۱۳۷۵).

از آنجاییکه زبان‌های ایرانی و ارمنی هر دو از خانواده زبان‌های هندواروپایی هستند، بی‌گمان با کندوکاوی ژرف در این دو زبان که پیشینه و خاستگاهی یگانه دارند، می‌توان همانندی‌های فراوانی میان آنها یافت. با عنایت به همین همانندی‌های زبان پارسی و ارمنی است که برخی از زبان‌شناسان از جمله «وندیشمن»، «یطرمان»، «دلکارد»، «فریوریچ» و «میولر» زبان ارمنی را به‌مانند زبان اوستایی و پهلوی یکی از شاخه‌های زبان ایرانی گمان برده‌اند. تنها هوشمان در آثار مشهور خود تلفظ صدای واژه‌های مشابه ارمنی و زبان‌های دیگر هندواروپایی را به تفصیل مورد بررسی و مذاقه قرار داد و پس از تطبیق کلمات مترادف ارمنی اظهار داشت که زبان ارمنی، برخلاف عقیده و نظر دیگر پژوهشگران، شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی نیست، «بلکه هر دو زبان از زبان‌های هندواروپایی هستند که روابط خویشاوندی نزدیکی با هم دارند. مشابه بودن قسمتی از کلمات این دو زبان به‌خوبی هویدا است.» (چوگاسزبان، ۱۳۷۶، ۱۷).

زبان‌شناس و پژوهشگر برجسته ارمنی هراچیا آچاریان در کتاب‌های فرهنگ واژه‌ای ریشه و جلد اول تاریخ زبان ارمنستان که حاصل سال‌های طولانی بحث و تدقیق در زمینه فرهنگ و زبان ارمنی است، اعلام داشت که ۱۴۰۰ واژه پهلوی و فارسی در زبان ارمنی موجود است.

شایان ذکر است که همسانی‌های زبان فارسی و ارمنی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. واژه‌هایی که بدون تغییر و دگرگونی از زبان پارسی وارد زبان ارمنی شده‌اند.
۲. واژه‌هایی که با اندک دگرگونی آوایی از پارسی به ارمنی راه یافته‌اند که البته بیشتر آنها اسامی خاص هستند و اصل و ریشه آنها پارسی، ولی تلفظ آنها ارمنی است.

۳. واژه‌هایی که از یک زبان سوم در زبان فارسی و ارمنی کاربرد یافته‌اند.

۴. واژه‌هایی که هر دو زبان از زبان مادری به‌ارث برده‌اند.

ناگفته نماند که زبان و ادب فارسی در روند تحول زبان ارمنی، واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات و تعبیرات بسیاری در زمینه‌های مختلف از ادبیات گرفته تا هنر به زبان ارمنی بخشیده است. این امر در رشد فرهنگ و غنی‌سازی واژگان بی‌تأثیر نبوده است (نعلبندیان، ۱۳۷۵: ۹۵). از مهمترین رویدادها در تاریخ ارمنی، ابداع حروف الفبا در سال ۴۰۶ میلادی توسط مسروپ ماشتوس بود. (Aghayan, 1976, 7-18). از آنجا که در زمان ابداع حروف ارمنی، ارمنستان تحت حکومت پادشاهی از خاندان اشکانیان ایران بود و نیز با توجه به استیلای پادشاهی اشکانی و سپس ساسانی بر ارمنستان، بی‌شک زبان پهلوی از جمله این زبان‌ها بوده است. اشارات پدر تاریخ نویسی ارمنی، موسس خورناتسی، به اساطیر ایرانی در اثر ارزشمندش "تاریخ ارمنستان" و نیز خطابه سردار ایرانی در جنگ ارمنیان و ایرانیان در زمان سلطنت یزدگرد دوم که یقیناً، تاریخ نویسی ارمنی، آن را در کتاب وقایع نگاری این جنگ آورده است، از اولین نمونه‌های ترجمه از زبان پهلوی به ارمنی‌اند. در سده‌های بعد نیز موارد ارمنی، یزرنگاتسی، به خوانندگان اثرش توصیه می‌کند تا آن را بر وزن شاهنامه فردوسی بخوانند و فریک، شاعر ارمنی قرون وسطی نیز در اشعارش از مضامین و کلمات فارسی بسیاری استفاده کرده است. این موارد شاهدهی بر این مدعا هستند که نه تنها شاعران و فرهیختگان ارمنی، بلکه خوانندگان عامی این آثار نیز با ادبیات فارسی آشنایی داشته‌اند (مارکاریان، ۱۳۸۶: ۳۰).

موسیقی

حدود هزاره اول پیش از میلاد، پارس‌ها و مادها طی مهاجرت خود، در اطراف دریاچه ارومیه استقرار یافتند. این محل جزو متصرفات کشور اورارتو بود که مدتی بعد نام آن به ارمنستان تغییر یافت. پارس‌ها پس از مدتی اقامت در این ناحیه، رهسپار جنوب فلات ایران شدند، اما به عقیده رومن گیرشمن همین مدت اندک هم کافی بود تا پارس‌ها تحت تأثیر هنر اورارتو قرار گیرند. بدین ترتیب پارس‌ها با استفاده از هنر اقوام باستانی و به خصوص هنر اورارتویی و مادی، هنری به وجود آوردند که می‌توان نام هنر ایرانی-اورارتویی بر آن نهاد. این هنر تأثیری مهم بر هنر دوره هخامنشی گذارد، چنان که در معماری پاسارگاد و تخت جمشید قابل مشاهده است. پدید آمدن هنر ایرانی-اورارتویی که بر اثر نزدیکی اقوام پارسی، مادی، ارمنی و اورارتویی به وجود آمده بود، پیش زمینه همکاری نزدیک سه قوم پارس، ماد و ارمنی در دولت ماد و هخامنشی شد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۵).

سایات نوا، بزرگترین شاعر، حماسه سرا و موسیقی‌دان تاریخ ارمنستان سالها در دربار کریم خان زند در شیراز به سر می برده که همین امر موجب شده است که ریشه هایی از موسیقی قفقاز در مکتب شیراز تداوم یافته و با انتقال استادان مکتب شیراز، یعنی استاد زهره و استاد مینا، به تهران منتقل شده است. از تاثیر موسیقی ارمنی بر روند تحول موسیقی ایرانی در دوره زندیه و قاجاریه نمی توان به سادگی عبور کرد. سازندگان بزرگ آلات موسیقی ایران از ارمنیان بوده اند، مانند ملکم و یحیی که افتخار فرهنگ موسیقی هستند. نوازندگی سازهای اروپایی از طریق موسیقی دانان ارمنی همچون سرژ هوختسیف و ده ها استاد دیگر در ایران پایه ریزی شد. همچنین باید از اجراهای موسیو هایک و نوازندگی بی مانند و به یادماندنی کمانچه او در برنامه ساز و سخن روح الله خالقی در رادیو ایران یاد کنیم (دادبه، ۱۳۸۶، ۲۵).

آداب، رسوم، جشن ها و آئین های مشترک ایرانیان و ارامنه

از دیرباز ارمنیان و ایرانیان جشن های مشترکی داشته اند که الهام گرفته از دوران باستان و کهن است و برخی از آنها تا به امروز هم برگزار می شود.

جشن سده ایرانیان و دیارند آراج ارمنیان

از جشن های مشترک ایرانیان و ارمنیان، جشن آتش افروزی است که ایرانیان آن را جشن سده و ارمنیان دیارند آراج می نامند. این جشن از جشن های خاص اقوام آریایی است. ارمنیان این جشن را در ۱۳ فوریه با شکوه خاصی برگزار می کنند. هر خانواده در حیاط خانه خود بوته هایی قرار می دهد. با شعله ای که از کلیسا آورده اند، بوته ها را آتش می زنند و سپس از روی آتش می پرند (رائین، ۱۳۷۷، ۲۷).

جشن نوسرد ایرانیان و ناواسارد ارمنیان

یکی از مهمترین جشن های مشترک اقوام آریایی جشن ناواسارد یا نوسرد است. در ارمنستان باستان اولین ماه سال را ناواسارد می نامیدند. در گاه شماری ارمنیان قدیم روز یازدهم اوت روز برگزاری جشن ناواسارد بود. در این جشن پادشاهان، درباریان و تمامی طبقات شرکت می کردند و مراسم جشن از شکوه خاصی برخوردار بود. در جشن ناواسارد مسابقات ورزشی مانند اسبدوانی، اراپهرانی و... ترتیب داده میشد و شعرا، خوانندگان و نوازندگان در این روز هنرنمایی می کردند.

طبق بعضی منابع این جشن ایرانی است و با جشن نوسرد یکی است که معنی سال نو را دارد و از جشنهای کهن ایران است (رائین، ۲۸، ۱۳۷۷).

جشن برغندان ایرانیان و باریگندان ارمنیان

جشن برغندان یا باریگندان از جشنهای مشترک ایرانیان و ارمنیان است که افزون بر تشابه نام آداب و سنن برگزاری آنها نیز شبیه هم است. این جشن را ایرانیان و ارمنیان قبل از روزه بزرگ برگزار میکردند و به شادی و سرور میپرداختند و چون نزدیک شدن روزه را نوید میداد آن را با جشن و سرور سپری میکردند. (مانوکیان، ۵۴، ۱۳۷۳)

امروزه نیز جشن باریگندان با شکوه خاصی برگزار میشود و روز پس از عید باریگندان ایام روزه بزرگ ارمنیان آغاز میشود و تا «زادیک» (عید قیام یا رستاخیز) ادامه مییابد. در این جشن جوانان برای خود لباس فراهم میکنند و نقابی بر چهره میگذارند تا شناخته نشوند. (هویان، ۱۶۸، ۱۳۸۰)

جشن تیرگان ایرانیان و وارتاوار ارمنیان

از کهن‌ترین جشنهای مشترک ایرانیان و ارمنیان جشن تیرگان یا آب پاشی است که در ارمنی به آن وارتاوار میگویند. جشن تیرگان یا وارتاوار در فصل تابستان برگزار میشود. در این جشن ارمنیان بر روی یکدیگر آب میپاشند، کبوترپرانی میکنند و مسابقات ورزشی ترتیب میدهند. (شیراوند، ۷۰، ۱۳۹۰)

تعدادی از پژوهشگران وارتاوار را به معنی با گل آراستن، با گل تزیین کردن، گل هدیه دادن، گلاب پاشیدن و شست و شو با آب دانسته‌اند. به نظر میرسد که جشن آبپاشی از جشنهای قدیم و کهن ایرانیان است. به احتمال قوی در زمانهای باستان جشن وارتاوار و تیرگان همزمان انجام میشده‌اند و بعداً روز برگزاری این جشنها تغییر یافته است. محمود روح الامینی در اثر ارزشمند خود، به نام آیینها و جشنهای کهن در ایران امروز، به جشن دیگری نزد ارمنیان اشاره میکند که به عید قربان مسلمانان خیلی نزدیک است و در این عید رسم بر آن است که گوسفند قربانی و بین تهیدستان تقسیم کنند. (روح الامینی، ۱۳۷۶، ۳۴)

نتیجه‌گیری

روابط بین ارمنستان و ایران به لحاظ تاریخی به هم گره خورده است. این روابط همیشه از پیوندهای عادی بین دو ملت و دولت همسایه بیشتر و گسترده‌تر بوده است. اندیشه‌های ملی‌ارمنه و ایرانیان و نگاه آنها به جایگاه خود در بعد فرهنگی - تاریخی و ژئوپلیتیکی همیشه مشترکات فراوانی داشته است.

انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال ارمنستان، فرصتی پدید آورد تا دو کشور با پیشینه‌ای تاریخی و با فرهنگی کهن، روابط خود را مستحکم‌تر کنند.

شاید به ندرت کشوری از نظر عمق و دامنه پیوندهای فرهنگی، تاریخی و زبانی با بیشتر جمهوری‌های تازه استقلال یافته، به پای ایران می‌رسید. آزاد شدن شورایی که برای مدت‌های طولانی بخشی از سرزمین ایران بودند و در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی قرار داشتند و با مردم ایران زمین بیش از هر مردم دیگری تعامل داشتند، می‌توانست زمینه حضور دوباره ایران را به گونه‌ای تازه فراهم کند. نفوذ فرهنگ ایرانی به قدری در این منطقه از جهان واقعی و نیرومند بود که سیاستگذاران شوروی ناچار شدند تلاش زیادی را صرف نابودی آن کنند. با وجود پتانسیل فراوان تحکیم روابط ایران و کشورهای منطقه از جمله ارمنستان، اما دستگاه سیاست خارجی ایران برای مواجهه با کشورهای تازه استقلال یافته، برنامه ویژه‌ای نداشت و هم اکنون نیز آسیای مرکزی و قفقاز در جایگاه اولویت نخست و حتی دوم سیاست خارجی قرار نگرفته است در نتیجه رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توانستند گوی سبقت را از ایران برابند. با این همه با توجه به اینکه فرهنگ ایرانی بر خلاف فرهنگ روسی، چینی و غربی، در کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پدیده‌ای وارداتی به شمار نمی‌آید و اشتراکات فرهنگی آنان با ایران بسیار طولانی می‌باشد و ریشه در دوران باستان دارد، وقتی به صورت تاریخی برخی هنجارها و ارزش‌های مشترک مانند اشتراکات گسترده و دیرینه معنوی، فکری، فرهنگی، نژادی، جغرافیایی و تاریخی، حسن هم‌جواری و احساس دوستی با هدف رفع نیارهای یکدیگر در زمان احتیاج، رفت و آمد آسان و دید و بازدید از کشورهای یکدیگر، وجود بیش از هزار و چهارصد کلمه فارسی-پهلوی در زبان ارمنی، علاقه مردم ارمنستان به برخی شاعران مشهور ایرانی به ویژه فردوسی و کتاب مشهور وی شاهنامه، وجود اقلیت‌های یکدیگر در دو کشور و بسیاری موارد دیگر حکم می‌کند که بر اساس این هنجارها، هویتها و ارزش‌های مشترک که مورد تأکید سازه‌انگاران است، علاوه بر اینکه نشان دهنده ظرفیت‌های فراوان روابط فرهنگی دو کشور است، موکد لزوم گسترش و تقویت همکاری‌ها و روابط فرهنگی این دو نیز می‌باشد. این نوع ارزش‌های مشترک غیر مادی و همچنین ادراک مثبتی که جوامع ارمنی و ایرانی از یکدیگر دارند، در ذهن تصمیم‌گیران دو کشور تأثیرگذار است و آنها را به هم‌اندیشی مشترک و همکاری به سوی منافع مشترک هدایت می‌کند.

در نتیجه با بهره‌گیری گسترده‌تر از تولیدات فرهنگی نظیر فیلم، موسیقی، برنامه رادیویی و تلویزیونی، امکان دسترسی به توده‌های مردم منطقه را فراهم آورده که باعث می‌شود در کوتاه مدت در ایجاد تصویری جذاب از ایران کمک نماید، تا در بلندمدت با فعالیت‌های فرهنگی پایدارتری از جمله تاسیس مدرسه و دانشگاه، تبادل دانشجو و حتی تبادل گردشگر و ارتقاء آموزش زبان فارسی، دستاوردهای بزرگی در تعمیق روابط فرهنگی ایران با ارمنستان داشته باشد. همچنین تکیه بر مصادیق فرهنگی مشترک مانند آئین نوروز، شعر، موسیقی و دیگر آئین

های سنتی مردمان ایران باستان در کنار عمل به وعده‌های اقتصادی و کمک به بازسازی و رونق و پیشرفت کشورهای منطقه می‌تواند باعث نزدیکی هرچه بیشتر مردمان و سیاستمداران ارمنستان با ایران گردد.

در این زمینه امضای موافقتنامه‌های فرهنگی، فعالیت‌های کانون‌های علمی و فرهنگی و تأسیس مراکز جدید از جمله انجمن دوستی ارمنستان - ایران، باشگاه فرهنگی مهر ارمنستان و ایران و مجتمع شهید فهمیده ایروان، آموزش زبان فارسی در ۱۵ مدرسه، ۷ گروه دانشگاهی، بازگشایی کلاسهای آزاد زبان فارسی در مسجد کبود ایروان و آغاز فعالیت رشته زبان و ادبیات ارمنی در دانشگاه آزاد تهران و دانشگاه دولتی اصفهان در ایران، شرکت هیئتهای علمی و فرهنگی در همایشها و سمینارهای دو کشور، ترجمه متون مختلف و همچنین آغاز دیدارهای دوسالانه «پل فرهنگی- ادبی ایران و ارمنستان» در ارمنستان، در کنار آغاز فعالیت رسمی رایزنی فرهنگی ایران در ارمنستان از تاریخ شهریور ۱۳۷۸/۱۹۹۹ که با هدف تعمیق، توسعه و ارتقای سطح روابط فرهنگی و تبلیغات دینی و فرهنگی میان دو کشور ایران و ارمنستان، صورت گرفت، نقش مهمی در راستای افزایش ارتباطات فرهنگی و آشنا کردن مردم دو کشور با یکدیگر ایفا نموده است.

در نهایت باید گفت. با توجه به تاریخ و فرهنگ مشترک ایران و ارمنستان و همکاری های دو دهه گذشته دو کشور علیرغم روابط خوبشان هنوز پتانسیل های موجود در دو کشور مورد استفاده قرار نگرفته است که این موضوع علاوه بر نیاز به توجه مقامات عالی رتبه دو کشور می تواند در کمیسیون های مشترک دوجانبه مطرح و حل شود .

منابع

- گه ورک، اصلان (۱۹۲۸) تحقیقات تاریخی درباره ملت ارمنی، ترجمه، پاریس: بینا.
- هویان، آندرانیک (۱۳۸۲). ارمنیان ایران. تهران: معاونت معرفی و آموزش میراث فرهنگی.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. (۱۳۸۸)، کتاب سبز ارمنستان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. (۱۳۸۴)، کتاب سبز ارمنستان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نعلبندیان، گ. م (۱۳۷۵). احیای واژه‌های نامفهوم و گمشده زبان فارسی به کمک زبان ارمنی، ترجمه آراهونسیان، مجله بررسی‌های تاریخی. سال ششم شماره ۱.
- چوگاسزیان، بابکن (۱۳۷۶). بازتاب افسانه زال؛ قهرمان حماسی ایران در تاریخ ارمنستان مؤسس خورناتسی، ترجمه هرمیک آقاپان، فصلنامه پیمان، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.
- ماله، آلب؛ ایزاک، ژول (۱۳۴۳). تاریخ ملل شرق و یونان. ترجمه هژیر. تهران: ابن سینا، ج ۱.
- پارسامیان و دیگران (۱۹۶۳). تاریخ ملت ارمنی. ج ۱، ایروان: انتشارات علمی ارمنستان، ۱۹۶۳.
- پاسدرماجیان، هراند (۱۳۷۷). تاریخ ارمنستان. ترجمه محمد قاضی. تهران: زرین.
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۳). ایران باستان. ج ۱ و ۲، تهران: نشر علم.
- دولاندلن، ش (۱۳۴۵). تاریخ جهانی. ترجمه بهمنش. تهران: دانشگاه تهران.
- دورانت، ویل (۱۳۴۳). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام. تهران: اقبال، ج ۱.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۸). رویکرد سازه انگارانه به زمینه های اجتماعی روابط ایران و امریکا، پژوهشنامه علوم سیاسی سال چهارم، شماره دوم، بهار
- هویان، آندرانیک (۱۳۸۲). ارمنیان ایران. تهران: معاونت معرفی و آموزش میراث فرهنگی.
- برندس، ژرژ (۱۹۰۳). ارمنستان و اروپا. ژنو: بینا.
- رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان (۱۳۹۰). بولتن گزارش فرهنگی.
- رائین، اسماعیل (۱۳۷۷). ارمنیان ایران، تهران: امیر کبیر.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۶). آیینها و جشنهای کهن در ایران امروز (نگارش و پژوهش مردم‌شناختی)، تهران: آگاه.
- مانوکیان، آرداک (۱۳۷۳) اعیاد کلیسای ارمنی. مترجم هرایر خالاتیان، تهران: شورای خلیفه‌گری تهران.
- هویان، آندرانیک (۱۳۸۰). ارمنیان ایران. تهران: هرمس.
- ملکمیان، لنا (۱۳۸۹). تعاملات و تشابهات ایران و ارمنستان، تهران: نائیری.
- هرسیچ، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۷)، چشم انداز سیاسی روابط فرهنگی ایران و ارمنستان؛ بررسی اصول نواقع گرای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۴

- عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، ایران و کشورهای قفقاز جنوبی، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۰
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۰)، فرهنگ استراتژیک، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.
- خراسانی، رضا (۱۳۹۰)، نقش فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی در سیاست جهانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۱
- صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۹۰)، دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۵)، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- خضری، رویا (۱۳۸۸). جایگاه فرهنگ در نظریه های روابط بین الملل، رهیافت انقلاب اسلامی سال سوم، شماره ۱۰، پاییز.
- هوپف، تد (۱۳۸۵). نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین الملل، نوواقعگرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، ویراسته اندرو لینکلتر، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها، تهران: سمت
- نصری، قدیر (۱۳۸۵). فهم کانستراکتیویستی امر سیاسی، مطالعات راهبردی سال نهم، شماره ۳۴
- متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (۱۳۸۶)، سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان.
- مدرسی، فاطمه (۱۳۷۵) مشترکات و مناسبات فرهنگی ایران و ارمنستان، فرهنگ، شماره ۵۷
- Winrow, Gareth M. (1995), "Azerbaijan and Iran", in *Regional Power Rivalries in the New Eurasia: Russia, Turkey, and Iran*, ed. by Alvin Z. Rubinstein and Oles M. Smolansky, New York, ME Sharpe, vol. 1.
- Monique, Claude and Williame Racimora (2013), "The Armenia-Iran Relationship, Strategic Implications for South Caucasus Region", *European Strategic Intelligence and Security Center*, Available at: <http://www.esisc.org/publications/analyses/the-armenian-iran-relationship>, Accessed on: 15/3/ 2016.
- Aghaian, Edward. (1976). "Mesrop Mashtots". In Group of writers, Hay mshakoyti nshanavor gorzichner (Famous people in Armenian culture) (pp.7-18) Yerevan: Yerevan State University.